

نگرش امام خمینی علیه السلام به اعجاز قرآن

دکتر احمد عابدی *

چکیده

یکی از مسائلی که در علم «کلام» و «علوم قرآنی» مشترکاً مورد بحث قرار می‌گیرد، «اعجاز قرآن کریم» است. اصل مسئله اعجاز قرآن، امری مسلم و غیرقابل تردید بوده، اما آن چه مهم است بررسی وجه اعجاز آن است که بسیار جای بحث و تضارب آرا دارد. امام خمینی درباره اعجاز قرآن، نظری بدیع و خاص و رویکردی منحصر به فرد و متفاوت با دیگران دارد.

کلیدواژه‌ها: اعجاز، وجوه اعجاز، جامعیت قرآن، اعجاز معنوی و عرفانی، امام

خمینی علیه السلام.

مقدمه

همه مسلمانان، قرآن مجید را معجزه حضرت محمد ﷺ، کتاب خداوند و مصون از تحریف و تغییر می‌دانند. اعجاز قرآن، عامل اصلی گرایش مردم به اسلام و دلیلی بر حقانیت این دین مقدس و تحریف نشدن قرآن است. در این مقاله، پس از اشاره‌ای کوتاه به رویکردهای مختلف درباره‌ی وجوه اعجاز، به بررسی دیدگاه امام خمینی رحمته‌الله در این مسئله پرداخته‌ایم.

اعجاز یا تحدی قرآن

واژه «عجز» در مقابل قدرت و به معنای ناتوانی از انجام کار است. «اعجاز» آن است که شخصی یا چیزی خود را دارای چنان قدرتی بداند که دیگران را از انجام آن ناتوان دیده، و آنان را به رویارویی بطلبد: ﴿وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ﴾. (سوره عنکبوت، آیه ۲۲) در قرآن کریم، واژه «اعجاز» درباره‌ی قرآن به کار نرفته؛ اما تعبیرات مشابه آن، که همگی دلالت بر معجزه بودن قرآن کریم دارند، فراوان به کار رفته است؛ مانند:

۱. ﴿وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ﴾ (سوره بقره،

آیه ۲۳)

۲. ﴿وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَىٰ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ * أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ...﴾ (سوره یونس، آیه ۳۷-۳۸)

۳. ﴿أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوَرٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ﴾ (سوره هود، آیه ۱۳)

۴. ﴿قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ﴾

(سوره اسراء، آیه ۸۸)

۵. ﴿أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ بَلْ لَّا يُؤْمِنُونَ ﴿۳۳﴾ فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِ...﴾ (سوره طور، آیه ۳۳-۳۴)

۶. ﴿اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُّتَشَابِهًا...﴾ (سوره زمر، آیه ۲۳)

۷. ﴿فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ﴾ (سوره اعراف، آیه ۱۸۵؛ سوره مرسلات، آیه ۵۰)

۸. ﴿أَوَلَمْ يَكْفِهِمْ أَنَّا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ يُثَلَّىٰ عَلَيْهِمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَرَحْمَةً

وَذِكْرَىٰ...﴾ (سوره عنکبوت، آیه ۵۱)

آیات دیگری نیز در قرآن مجید وجود دارد که با عبارات‌های متفاوت، اعجاز قرآن را بیان کرده‌اند.

در این آیات، تحدی گاهی به آن است که می‌فرماید اگر می‌توانید همانند قرآن را بیاورید و گاهی می‌فرماید لا اقل ده سوره مثل آن بیاورید و گاهی ادعا می‌کند که اگر در این قرآن تردید دارید یک سوره مثل آن بیاورید و چون کوتاه‌ترین سوره قرآن، سوره کوثر است که چهار آیه دارد بنابراین حداقل تحدی، طلب آوردن چهار آیه مثل قرآن است.

امام خمینی علیه السلام می‌فرماید:

قرآن کریم، خود در چند جا معجزه بودن خود را به تمام بشر در تمام دوره‌ها اعلان کرده است و عجز جمیع بشر را، بلکه تمام جن و انس را از آوردن به مثل خود ابلاغ کرده. امروز ملت اسلام همین نشانه خدا را در دست دارند و به تمام عائله بشری از روی کمال اطمینان اعلان می‌کنند که این نشانه پیغمبری نور پاک محمد است، هر کس از دنیای پر آشوب علم و دانش، مثل او را آورد ما تسلیم او می‌شویم و از گفته‌های خود

برمی‌گردیم. (امام خمینی، بی‌نا، ص ۴۷)

ایشان در تعریف معجزه و ضرورت آن می‌فرماید:

مقصود از معجزه، نشانه‌ای است که به واسطه آن ما پی ببریم که

حرف‌های این شخص مدعی پیغمبری از مغز بشری خود نیست و گفتارهای او پندارهایی از پیش خود نیست و آنچه می‌گوید گفته‌های خداست که آفریدگار ما و جهانیان است و موافقت و اطاعت آن لازم است به حکم عقل و مخالفت آن موجب زیان‌های دو جهان است. عقل فطری خدا داد هر کس حکم می‌کند که قبول کردن هر دعوایی، بی‌دلیل و برهان روا نیست و کسی که بی‌دلیل چیزی را قبول کند از فطرت انسانیته خارج است ... (پیشین، ص ۴۵)

اعجاز قرآن در چیست؟

پاسخی روشن و مورد قبول همه قرآن‌پژوهان برای این سؤال وجود ندارد. هر کس از زاویه‌ای خاص به آن نگریسته است. سکاکی گفته است: «ان اعجاز القرآن یدرک و لایمکن التعبیر عن وصفه» (عرجون، ۱۹۶۶ م، ص ۱۵۸)؛ اعجاز قرآن، یافتنی است نه بیان کردنی. از نظر وی، اعجاز قرآن همانند عشق، اضطراب، درد، ترس و هر چیزی است که در قلمرو علم حضوری و معرفت شهودی قرار می‌گیرد و با علم حصولی - که با مفاهیم سروکار دارد - قابل تبیین نیست. آنان که معتقدند می‌توان اعجاز قرآن را بیان و شرح و تفسیر کرد، هر کدام دیدگاهی دارند. قبل از تبیین این دیدگاه‌ها، ابتدا لازم است مقدمه‌ای برای بحث بیان گردد.

هر معجزه‌ای باید با فرهنگ زمان نزول آن هماهنگ و مطابق باشد؛ مثلاً در زمانی که مردم گرایش به سحر دارند و بالاترین سطح فهم آنان به سحر خلاصه می‌شود و کوچک‌ترین و کمترین اطلاعی از امور عقلی ندارند، برای این مردم نمی‌توان معجزه‌ای آورد که صرفاً علمی و عقلی

باشد؛ زیرا مردم آن را درک نمی‌کنند. به همین جهت، خواجه نصیر فرمود: «عوام مردم بیشتر به معجزات فعلی گرایش دارند و عالمان به معجزات قولی توجه دارند.» (خطبوسی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۳۹۸) در زمان نزول قرآن کریم، ادبیات و بلاغت در اوج شکوفایی بود. از این رو، قرآن باید با آنها هماهنگ باشد.

تطابق معجزات حضرت موسی علیه السلام با حس، بیشتر به جهت گرایش بنی اسرائیل به حس‌گرایی بوده است. بنی اسرائیل، همه چیز را در محسوسات خلاصه می‌کردند و به همین جهت می‌گفتند: «ارنا الله جهرة» و «اجعل لنا الهأکما لهم آله» و تصور می‌کردند که خداوند نیز اگر وجود دارد باید با حواس ظاهری ادراک شود. چنین مردمی تنها به معجزات فعلی و محسوس و غیرعقلی توجه دارند. اینان از عقل و هر چه معقول است به دورند. معجزات حضرت موسی علیه السلام نیز مطابق درک و شعور آنان بود.

در عصر جاهلیت - گرچه مردم از رشد عقلی و علمی بی‌بهره بودند - ادبیات و علوم بلاغی در بالاترین سطح بوده است. معلقات سبع و الاغانی جلوه‌هایی از ادب آن زمان را ترسیم نموده است. علت نام‌گذاری آن زمان به عصر جاهلیت، کارهای سفیهانه و غیرعقلانه آنان است؛ نه این‌که آنان از ادب و فرهنگ به دور باشند؛ زیرا همان‌گونه که اشاره شد، آنان در ادبیات و فرهنگ و زبان سرآمد دیگران بودند. بنابراین، باید معجزه رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز سرشار از ادب و فرهنگ باشد؛ تا مخاطبان قرآن، وجه اعجاز آن را بیابند. نیز باید جنبه عقلانی آن بر جنبه حسی اش غلبه داشته باشد.

آیا تحدی قرآن مخصوص زمان نزول بوده یا آن‌که الی یوم القیامة برپا است؟ قرآن، کتاب هدایت است و هدایت آن همیشگی و جاودانه است، اما

آیا اعجاز قرآن باید همانند هدایت آن ^ججاودانه باشد یا تنها در عصر نزول اگر معجزه باشد کافی است؟ از نظر مکانی، آیا تحدی قرآن اختصاص به جزیره العرب دارد یا قرآن برای همه مکان‌ها معجزه است؟ چگونه می‌توان وجه اعجاز قرآن را برای افرادی که عرب نیستند توضیح داد؛ به طوری که همه مردم جهان با اختلاف زبان و اختلاف فرهنگ بتوانند معجزه بودن قرآن را دریابند؟ (عرجون، ۱۹۹۶ م، ص ۱۳۳) آیا باید تسبیب اعجاز قرآن برای عرب و غیرعرب یکسان باشد و هر دو به یکسان معجزه بودن آن را بیابند؟ آیا در معجزه، شرط حداقلی وجود دارد؟ مثلاً می‌توان گفت حداقل اعجاز آن است که در ضمن سه یا چهار آیه باشد؟ بنابراین، یک حرف و یک کلمه و حتی یک جمله و یک آیه، معجزه نیست؟ اینها سؤالاتی است که در برابر کسانی قرار دارد که غالباً اعجاز قرآن را در فصاحت و بلاغت آن خلاصه کرده‌اند. معمولاً این دسته از مفسران و نویسندگان علوم قرآنی، به سبب این که تنها به علوم بلاغی و ادبی می‌اندیشند، معتقدند که اعجاز قرآن تنها برای عرب‌ها قابل فهم است نه دیگران، و قرآن از جهت اعجاز خود محدود به منطقه جغرافیایی عربی است. برخی از آنان نیز از جهت زمانی اعجاز آن را به عصر نزول منحصر کرده‌اند. بعضی از نویسندگان امروزی ادعا کرده‌اند که معجزه حضرت عیسی ^ع این بود که ۲۰۰۰ سال قبل توانست کور را شفا دهد ولی امروز شاید پزشکان بتوانند نابینا را بینا سازند. قهراً این نویسندگان باید در مورد قرآن نیز چنین دیدگاهی داشته باشند. در پاسخ آنان می‌گوییم حضرت عیسی ^ع بدون جراحی، تنها با یک لفظ: «به اذن خدا خوب شو»، مریض را شفا می‌داد. پزشکی هر چقدر پیشرفت کند هرگز به جایی نمی‌رسد که پزشک تنها با یک کلام بتواند مریض را شفا بخشد. پاسخ

سؤال‌های فوق در کتاب‌های علوم قرآنی و تفاسیر مختلف ذکر شده است؛ اما آنچه برای ما مهم است تحلیل پاسخ حضرت امام خمینی علیه السلام به سؤال‌های فوق است.

از آنچه گذشت، این نکته نیز روشن شد که هر کس با هر عقیده و مبنایی به اعجاز قرآن پردازد، باید اعجاز قرآن را از جهت فصاحت و بلاغت بپذیرد؛ تا قرآن با فرهنگ زمان خود مطابق باشد. کسی که اعتقاد به اعجاز علمی، عددی یا ... دارد باید اعجاز بلاغی را پذیرفته و به اقسام دیگر اعجاز معتقد باشد. بسیاری از نویسندگان معتقدند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دو نوع معجزه داشته است: قولی و فعلی. معجزه قولی آن حضرت، قرآن موجود است؛ اما معجزات فعلی آن حضرت از قبیل معراج، شق القمر و تسبیح سنگ‌ریزه فعلاً وجود ندارند؛ جز مسجد ذوقبلتین. امام خمینی معتقد است که امروزه نیز معجزات فعلی فراوانی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و دین مقدس اسلام وجود دارد. ایشان در موارد بسیار زیاد در سخنرانی‌ها و اعلامیه‌های خود، انقلاب اسلامی، اتحاد و یکپارچگی مردم، روحیه شهادت‌طلبی مردم، بیداری ملت و ... را معجزه معرفی می‌کند: «این روحیه انقلابی که در نفوس پیدا شده است (این یک معجزه الهی است، هیچکس نمی‌تواند یک ملت را همچو متحول کند، دست غیبی در کار است.» (امام خمینی، ۱۳۷۸،

ج ۹، ص ۳۸۵)

وجوه اعجاز قرآن

در این جا، ابتدا نظراتی که در بیان وجه اعجاز قرآن ذکر شده، به اختصار ذکر می‌کنیم و سپس به نظر امام خمینی در این باره می‌پردازیم.

۱. نظریه صرفه

یکی از قدیمی‌ترین نظریه‌هایی که در باب اعجاز قرآن بیان شده، مسئله صرفه است. بنابر این نظریه، خداوند انسان‌ها را از مقابله با قرآن بازمی‌دارد. سید مرتضی، نظام، اسفراینی، راغب اصفهانی پیرو این اندیشه‌اند. این نظریه به سه شاخه تقسیم می‌گردد: ۱. سلب انگیزه مردم؛ ۲. سلب علم مردم؛ ۳. ایجاد مانع برای آنان.

کتاب‌ها و مقالاتی به نقد این نظریه پرداخته‌اند.

۲. نظریه بلاغی

اکثر مفسران و ادیبان پیرو این نظریه‌اند. بنا بر این نظریه، به دلیل این‌که عرب‌ها از میان دو راه «آوردن نظیری برای قرآن» و «جنگ نظامی»، راه دوم را انتخاب کردند، معلوم می‌شود که از آوردن شبیه آن عاجز و ناتوان بودند. برخی نقل کرده‌اند که عربی پس از آن‌که آیه «فَلَمَّا اسْتِأْذَنُوا مِنْهُ حَلَّضُوا نَجِيًّا» (سوره یوسف، آیه ۸۰) را شنید، به سجده افتاد و در برابر بلاغت قرآن سجده کرد. (محمد صادق عرجون، ص ۱۵۵)

کتاب‌های علوم بلاغت و دلایل الاعجاز بر این اندیشه تأکید دارند.

۳. نظم ویژه

بنا بر نظر ابن خلدون، نمی‌توان قرآن را نظم یا نثر یا سجع دانست؛ زیرا در سجع، معنا تابع لفظ است و در نثر، لفظ تابع معنا است و نظم قرآن با نظم‌های شناخته شده تفاوت دارد و نظمی منحصر به فرد است. (ابن خلدون،

۱۴۰۸ ق، ص ۴)

۴. اعجاز علمی

برخی ادعا کرده‌اند که حدود ۷۵۰ آیه قرآن به مباحث علمی پرداخته است. (عبدالصمد، ۱۴۱۷ ق.، ص ۴۳) بنابر نظر آنان، کرویت و حرکت زمین، مرکزیت خورشید، تلقیح درختان، تکامل در زیست‌شناسی و ... در قرآن بیان شده یا قابل استفاده از آن است.

فخر رازی در تفسیر آیه «احسن الحدیث» (سوره زمر، آیه ۲۳) می‌نویسد: «احسن الحدیث بودن قرآن به جهت لفظ یا معنای آن است. از جهت لفظی، قرآن دارای فصاحت است و نظم خاصی در آن وجود دارد. قرآن، شعر یا نامه یا خطبه نیست. از جهت معنا، قرآن احسن الحدیث است؛ زیرا تناقض ندارد، مشتمل بر علم غیب است و بسیاری از علوم در آن موجود است.» وی سپس به صورت مفصل به توضیح آنها می‌پردازد. (فخر رازی، ج ۹، ص ۴۲۲) لازم به ذکر است که آنچه را فخر رازی به عنوان علوم معرفی می‌کند و معتقد است قرآن مشتمل بر آنهاست، با آنچه طنطاوی در الجواهر به عنوان علوم مطرح می‌کند و معتقد است که قرآن آنها را بیان کرده، تفاوت بسیار است؛ به طوری که می‌توان گفت اشتراک در لفظ علم دارند، نه در معنا.

۵. اخبار از غیب

عده‌ای، اعجاز قرآن را خبرهای متعدد آن از حوادث غیبی گذشته و آینده می‌دانند.

۶. نظریه موسیقی یا آهنگ

آهنگ و طنین قرآن تأثیر فراوانی بر افراد مختلف داشته و داستان‌های فراوانی در این مورد نقل شده است. (فولادوند، ۱۳۸۱، ص ۴۱۰) این آهنگ قطعاً یافتنی و احساس کردنی است و قابل تبیین به لفظ نیست. نویسنده کتاب *التکامل فی الاسلام* طرفدار این نظریه است.

۷. تصویر فنی

قرآن، روشی خاص در بیان قصه دارد که گاهی اجمال و گاهی تفصیل است. محافظت بر هدف قصه به خوبی در قرآن رعایت شده است.

۸. جامعیت قرآن در امور مدنی، حقوقی و اخلاقی

قرآن در امور مدنی، حقوقی و اخلاقی، جامعیت دارد و در آن مطالب تاریخی، اجتماعی و ... به صورت حیرت‌آوری گردآوری شده است.

۹. اعجاز در قانونگذاری و تشریح

قرآن، قوانین عرب جاهلی و آداب و رسوم آنان را برداشته و نوعی به‌گزینی فرهنگی و قانونی انجام داده است؛ از قبیل: قانون اخوت و برادری، صلۀ رحم، همزیستی مسالمت‌آمیز و رعایت عدالت.

۱۰. اعجاز عددی

برخی پژوهشگران، مانند دکتر رشاد خلیفه، اعجاز عددی قرآن را در خصوص عدد ۱۹ ادعا کرده‌اند. برخی دیگر این اعجاز را به صورت مطلق عدد ادعا کرده‌اند. عده‌ای دیگر آن را در خصوص حروف مقطعه قرآن مطرح کرده‌اند. مطالب زیادی در این باره نوشته شده که جنبه ذوقی آنها بر جنبه علمی آنها غلبه دارد.

۱۱. اعجاز واژه‌های قرآنی

طرفداران این نظریه می‌گویند تمام واژه‌هایی که در قرآن به کار رفته با نظم و حساب خاصی است و تقدیم، تأخیر یا تبدیل آنها غیرممکن است.

۱۲. اعجاز معنایی

عربی پس از شنیدن آیه ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ...﴾ (سوره نحل، آیه ۹۰)، آن را معجزه دانست و ایمان آورد. (عرجون، ص ۱۷۲) ابوالعلاء معری پس از شنیدن آیه ﴿يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلِّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ﴾ (سوره هود، آیه ۱۰۵) غش کرد. (پیشین، ص ۱۷۲)

۱۳. اعجاز در هدایت

طرفداران این نظریه می‌گویند قرآن، معجزه است؛ زیرا بالاترین درجه و مرتبه هدایت را داراست. آیات متعددی از قرآن این اعجاز در هدایت را به طور ضمنی دلالت می‌کند؛ مثل آیه ﴿قُلْ فَأْتُوا بِكِتَابٍ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا أَتَّبِعُهُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾. (سوره فصص، آیه ۴۹)

خداوند، همه پیامبران و کتاب‌های آسمانی را سبب هدایت انسان‌ها می‌داند و تورات را کتاب هدایت معرفی می‌کند؛ ولی قرآن را برتر از آن می‌داند: ﴿... مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ...﴾. (سوره مائده، آیه ۴۸) ترجیح قرآن بر تورات، در بیان عقاید، روش بیان و توجه دادن به عقل و فطرت است.

۱۴. تحدی در قوت استدلال

بنابر نظر برخی، آیه ﴿... قِبَآئِي حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ﴾ (سوره اعراف، آیه ۱۸۵) می‌گوید چه استدلالی محکم‌تر و قوی‌تر از قرآن یافت می‌شود که به آن ایمان آورند. آن‌چه که ذکر شد، وجوه اعجاز قرآن است که به صورت پراکنده در کتاب‌های مختلف ذکر شده است. نقد و بررسی هر کدام از این وجوه، خارج از موضوع

مقاله است. می‌توان گفت به دلیل این‌که قرآن کریم به روشنی اعجاز خود را بیان کرده اما وجه آن را بیان نکرده است، طبق قاعده اصولی «حذف متعلق، دلیل بر عموم است»، تمامی وجوه ذکر شده صحیح است؛ البته با تلفیق برخی از وجوه در یکدیگر.

بالاترین وجه اعجاز قرآن

اکنون دیدگاه امام خمینی علیه السلام را درباره اعجاز قرآن مطرح می‌کنیم و سپس به نتیجه‌گیری و مقایسه آن با کلام دیگر مفسران می‌پردازیم.

امام خمینی می‌فرماید:

این کتاب عزیز در محیطی و عصری نازل شد که تاریک‌ترین محیط و عقب‌افتاده‌ترین مردم در آن زندگی می‌کردند و به دست کسی و قلب الهی کسی نازل شد که زندگی خود را در آن محیط ادامه می‌داد، و در آن حقایق و معارفی است که در جهان آن روز - چه رسد به محیط نزول آن - سابقه نداشت، و بالاترین و بزرگ‌ترین معجزه آن، همین است؛ آن مسائل بزرگ عرفانی که در یونان و نزد فلاسفه آن سابقه نداشت و کتب ارسطو و افلاطون، بزرگ‌ترین فلاسفه آن عصرها، از رسیدن به آن عاجز بودند و حتی فلاسفه اسلام که در مهد قرآن کریم بزرگ شدند و از آن استفاده‌ها نمودند به آیاتی که به صراحت زنده بودن همه موجودات جهان را ذکر کرده، آن آیات را تأویل می‌کنند، و عرفای بزرگ اسلام که از آن ذکر می‌کنند همه از اسلام اخذ نموده و از قرآن کریم گرفته‌اند، و مسائل عرفانی به آن نحو که در قرآن کریم است در کتاب

دیگر نیست. (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۶، ص ۲۱۰)

وی قرآن کریم را کتاب معرفه الله و طریق سلوک به آن معرفی می کند.

(پیشین، ص ۲۰۹)

نیز می فرماید:

عظمت اسلام و قرآن و بزرگی بزرگان اسلام به قانون های راست و درست و معارف و حقایق بلند پایه آنها و تربیت ها و تعلیم های خردمندانه آنهاست که کفیل سعادت ابدی و نورانیت همیشگی هستند و عهده دار زندگی این جهان و آن جهان هستند. (امام خمینی، بی تا، ص ۶۳)
قرآن برای همین آمده است که تربیت کند انسان ها را. (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۲، ص ۴۲۳)

قرآن، کتاب انسان سازی است، می خواهد انسان درست کند ... پیغمبر صلی الله علیه و آله می خواست همه مردم را علی بن ابی طالب کند ولی نمی شد و اگر بعثت پیغمبر صلی الله علیه و آله هیچ ثمره ای نداشت الا وجود علی بن ابی طالب و وجود امام زمان علیه السلام این هم توفیق بسیار بزرگی بود. اگر خدای تبارک و تعالی پیغمبرها بعثت می کرد برای ساختن یک همچو انسان های کامل، سزاوار بود. لکن آنها می خواستند که همه آن طور بشوند، آن توفیق حاصل نشد. (پیشین، ص ۴۲۴)

قرآن، کتاب تربیت انسان است. (پیشین، ج ۱۴، ص ۱۵۳)
هر کس قرآن را آن طور که هست بفهمد و به آن عمل کند، افضل از تمام موجودات می شود؛ مثل پیامبر. (پیشین، ج ۱۰، ص ۵۳۰)

وی اعجاز قرآن را این گونه تبیین می کند:

قرآن شریف به قدری جامع لطائف و حقایق و سرایر و دقایق توحید است که عقول اهل معرفت در آن حیران می ماند، و این اعجاز بزرگ این

صحیفه نورانیة آسمانی است؛ نه فقط حسن ترکیب و لطف بیان و غایت فصاحت و نهایت بلاغت و کیفیت دعوت و اخبار از مغیبات و احکام و اتقان تنظیم عائله و امثال آن، که هر یک مستقلاً اعجازی فوق طاقت و فارق عادت است؛ بلکه می‌توان گفت این که قرآن شریف معروف به فصاحت شد و این اعجاز در بین سایر معجزات مشهور آفاق شد برای این بود که در صدر اول، اعراب را این تخصص بود و فقط این جهت از اعجاز را ادراک کردند و جهات مهمتری که در آن موجود بود و جهت اعجازش بالاتر و پایه ادراکش عالی‌تر بود اعراب آن زمان ادراک نکردند. الان نیز آنهایی که هم افق آنها هستند جز ترکیبات لفظیه و محسنات بدیعیه و بیانیه چیزی از این لطیفه الهیه ادراک نکنند، و اما آنهایی که به اسرار و دقایق معارف آشنا و از لطایف توحید و تجرید باخبرند و جهة نظرشان در این کتاب الهی و قبله آمالشان در این وحی سماوی همان معارف آن است و به جهات دیگر چندان توجهی ندارند.

(امام خمینی، ۱۳۷۵، ص ۴۴)

بنابراین، امام خمینی علیه السلام در عین حال که اعجاز بلاغی قرآن را قبول دارد، اخبار از غیب را وجهی دیگر بر اعجاز قرآن می‌داند و اعجاز در تشریح و دقت در قانون و قانونگذاری را قبول دارد؛ ولی معتقد است که جهت اصلی اعجاز قرآن، در معارف بلند و عمیق توحیدی آن است. بنا بر نظر وی، به دلیل این که مردم عصر نزول قرآن تنها تخصص فصاحت و بلاغت را داشتند، اعجاز بلاغی قرآن شهرت بیشتر یافت و در واقع، اعجاز قرآن وجوه متعددی دارد که کمترین وجه آن، جنبه ادبی است و آنان که از علوم حقیقی بی‌بهره‌اند و تنها ترکیبات لفظی و صنایع ادبی را نهایت علم

و عرش المعرفة خود می دانند، به اعجاز فصاحت و بلاغت توجه می کنند و اهل معرفت واقعی، اعجاز قرآن را در توحید و شناخت حقایق و معارف الهی جست و جو می کنند؛ چیزی که تنها در قرآن یافت می شود و در هیچ کتاب دیگر حتی درجه پایین آن یافت نمی شود، مگر آنکه از قرآن بهره گرفته باشد.

جامعیت قرآن از معجزات آن است

امام خمینی علیه السلام در این زمینه می فرماید:

و باید دانست که در این کتاب جامع الهی، به طوری این معارف، از معرفة الذات تا معرفة الافعال، مذکور است که هر طبقه به قدر استعداد خود از آن ادراک می کنند؛ چنانچه آیات شریفه توحید و خصوصاً توحید افعال را علماء ظاهر و محدثین و فقهاء طوری بیان و تفسیر می کنند که به کلی مخالف و مباین است با آنچه اهل معرفت و علماء باطن تفسیر می کنند و نویسندگان هر دو را در محل خود درست می داند؛ زیرا که قرآن شفای دردهای درونی است و هر مریض را به طوری علاج می کند... برای هر یک از طبقات علماء ظاهر و باطن، طوری شفای امراض است و در عین حال که بعضی آیات شریفه، مثل آیات اول حدید و سوره مبارکه توحید، به حسب حدیث شریف کافی، برای متعمقان از آخرالزمان وارد شده، اهل ظاهر را نیز از آن بهره کافی است، و این از معجزات این کتاب شریف و از جامعیت آن است. (امام خمینی، ۱۳۸۰، ص ۱۸۶)

نیز می فرماید:

مقصود ما آن است که راه استفاده از این کتاب شریف را - که تنها کتاب سلوک الی الله و یکتا کتاب تهذیب نفوس و آداب و سنن الهیه است و بزرگ‌ترین وسیله رابطه بین خالق و خلق و عروة الوثقی و حبل المتین تمسک به عز ربوبیت است - باید به روی مردم مفتوح نمود. علما و مفسرین، تفاسیر فارسی و عربی بنویسند و مقصود آنها بیان تعالیم و دستورات عرفانی و اخلاقی و بیان کیفیت ربط مخلوق به خالق و بیان هجرت از دارالغرور به دارالسرور و الخلود باشد، به طوری که در این کتاب شریف به ودیعت گذاشته شده. صاحب این کتاب، سکاکی و شیخ نیست که مقصدش جهات بلاغت و فصاحت باشد، سیبویه و خلیل نیست تا منظورش جهات نحو و صرف باشد، مسعودی و ابن خلکان نیست تا در اطراف تاریخ عالم بحث کند. این کتاب چون عصای موسی و ید بیضای آن سرور یا دم عیسی که احیاء اموات می‌کرد نیست که فقط برای اعجاز و دلالت بر صدق نبی اکرم آمده باشد، بلکه این صحیفه الهیه کتاب احیاء قلوب به حیات ابدی علم و معارف الهیه است. این کتاب خدا است و به شئون الهیه - جل و علا - دعوت می‌کند. (پیشین، ص ۱۹۴)

با توجه به آن چه گذشت، معلوم شد که امام خمینی جهات اعجاز ادبی و بلاغی قرآن را قبول دارد و آن را نفی نمی‌کند و معتقد است که اعجاز بلاغی در جای خود صحیح است ولی مردم زمان نزول قرآن تنها همین تخصص را داشته‌اند و سطح فهم آنان همین بود که قرآن را از دید ادبی و علوم معانی و بیان می‌نگریستند اما نباید اعجاز را منحصر به آن نمود؛ همچنان که اعجاز قرآن به اخبار غیبی نیز صحیح و خبرهای غیبی آن غیرقابل انکار است. اعجاز در تشریح قوانین و جامعیت آن و نیز استحکام و برتری قوانین آن نسبت به تمام قوانین

بشری از جهات دیگر اعجاز قرآن است که امام خمینی آنها را قبول دارد. وی مهمترین و بزرگترین معجزه قرآن را در مسائل عرفانی و معنوی می‌داند. از نظر وی، اعجاز قرآن در تهذیب نفس و ارائه بهترین راه سلوک الی الله و تبیین رابطه بین خالق و مخلوق است، قرآن شفای دردها و امراض روحی و روانی است و از این جهت باید اعجاز قرآن مورد توجه و تأمل قرار گیرد. اعجاز قرآن در آن است که شخصیتی بسان حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام تربیت کرده و این مهمترین اعجاز آن است و هیچ کتاب آسمانی چنین قدرتی ندارد که انسان کاملی مانند آن امام تربیت کند. اعجاز قرآن علاوه بر این مسائل، به بیان نکته‌های ظریف عرفانی است؛ مثل تسبیح تشریحی همه موجودات و حیات و شعور آنها.

یکی دیگر از جهات اعجاز قرآن آن است که عمیق‌ترین و ظریف‌ترین مطالب و اسرار توحید را بیان کرده است؛ همانند آیات آغازین سوره حدید و آیات سوره توحید که برای شناخت خدای متعال چیزی بالاتر و فراتر از آن قابل تصور نیست و هیچ کتاب دیگری حقیقتاً از این جهت قدرت برابری با قرآن مجید را ندارد. این جنبه اعجاز قرآن کاملاً واضح و روشن و غیرقابل تردید است و برای همیشه تحدی آن از این جهت برای تمام مردم دنیا، اعم از عرب و عجم و عالم و غیرعالم، آشکار است.

پس جامعیت قرآن در هدایت و معارف بلند توحیدی و عرفانی آن، مهمترین وجه اعجاز قرآن نزد امام خمینی است. قرآن برای همیشه کتاب هدایت است و این جهت اعجاز را همه مردم در همه جا درک می‌کنند. این جنبه اعجاز قرآن به صورت ضعیف‌تر و درجه پایین‌تر در صحیفه سجاده نیز وجود دارد و دقیق‌ترین معارف توحیدی و الهی را می‌توان در آن یافت. (امام خمینی، ۱۳۸۱،

قرآن، روابط اجتماعی و آداب معاشرت و نیز کمالات و فضائل و روابط بین انسان و خدا، مانند توکل و رضا و تسلیم را نیز بیان کرده؛ دعوت به آزاداندیشی و پرهیز از تقلید آباء و اجداد و دوری از استبعاد و بردگی فکری را ستوده؛ (سوره لقمان، آیه ۲۱؛ سوره بقره، آیه ۲۷۰) شرک و بت‌پرستی را که نوعی جمود فکری و عقب‌افتادگی بشری است مذمت کرده؛ (سوره اعراف، آیه ۱۹۵) و در این جهات اعجاز نموده؛ اما وجهه اصلی اعجاز قرآن در معرفی صحیح و سطح بالای توحید و خداشناسی و معاد و مجردات است و از این جهت با هیچ قلم و زبانی قابل مقایسه نیست و برای همیشه این معجزه باقی است که هر کس درباره توحید سخن قابل توجهی داشته باشد مرهون قرآن مجید بوده و مستقیماً یا با واسطه از آن اقتباس کرده است.

از آنچه گذشت، معلوم گردید که امام خمینی در بیان وجه اعجاز قرآن راه جدیدی را پیش گرفته و نظر خاص و منحصر به فردی در این زمینه ابراز داشته و در مقایسه با نظرات دیگر مفسران و متکلمان در بحث از اعجاز قرآن، نظریه امام خمینی از شمول بیشتر برخوردار بوده و در عین حال ملموس‌تر و قابل درک‌تر است؛ زیرا نظریه اعجاز بلاغی یا معنایی یا واژگانی برای غیر عرب قابل درک نیست، نظریه اعجاز عددی بیشتر به استحسان شبیه است تا به یک مطلب علمی و نظریه اعجاز علمی پیامدهای سنگینی به دنبال دارد که قرآن را عصری می‌کند و کتاب خدا را که امری مطلق و ثابت است به امری متغیر و غیر ثابت پیوند می‌زند. نظریه امام خمینی این اشکال‌ها را ندارد. بنا بر نظریه امام خمینی، تحدی و اعجاز قرآن روشن‌تر و واضح‌تر و برای همه مخاطبان قرآن قابل درک است.

نتیجه

امام خمینی، اعجاز ادبی و بلاغی قرآن را قبول دارد. به نظر وی، مهمترین وجه اعجاز قرآن، در بیان معارف بلند توحیدی و اعتقادی قرآن است. هیچ فیلسوف، متکلم یا عارفی را نمی‌توان یافت که بتواند به زیبایی و دقت قرآن مجید، علوم حقیقی مربوط به اسماء و صفات الهی، عالم مجردات و مسائل مبدأ و معاد را بیان کند. این وجه اعجاز قرآن، برای آگاهان به معارف توحیدی آشکار است و اختصاص به عرب زبانان ندارد.

منابع

■ قرآن مجید.

۱. ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه تاریخ ابن خلدون، ۱۴۰۸ ق، بیروت، دارالفکر.
۲. امام خمینی، آداب الصلاة، ۱۳۸۰، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۳. _____ تفسیر سورة حمد، ۱۳۷۵، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۴. _____ صحیفه امام، ۱۳۷۸، مجموعه آثار امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۵. _____ نامه های عرفانی، ۱۳۸۱، قم، کنگره اندیشه های اخلاقی و عرفانی امام خمینی علیه السلام.
۶. _____ کشف الاسرار، بی تا، بی جا، بی نا.
۷. امین، احمد، التکامل فی الاسلام، ۱۴۰۰ ق، قم، دارالکتب العلمیه، اسماعیلیان.
۸. سکاکی، محمد بن علی، مفتاح العلوم، بی تا، قم، انتشارات ارومیه.
۹. طوسی، خواجه نصیرالدین، شرح الاشارات، ۱۳۶۵، تهران، دفتر نشر کتاب.
۱۰. عبدالصمد، محمد کامل، الاعجاز العلمی فی الاسلام (القرآن الکریم)، ۱۴۱۷ ق، قاهره، الدار المصریة اللبنانیة.
۱۱. عرجون، محمد صادق، القرآن العظیم هدیته و اعجازه فی اقوال المفسرین، ۱۹۶۶ م، قاهره، مکتبه کلیات.
۱۲. فخر رازی، التفسیر الکبیر، بیروت، ۱۴۱۵، داراحیاء التراث العربی.
۱۳. فولادوند، محمد مهدی، قرآن پژوهی، ۱۳۸۱، تهران، مؤسسه فرهنگی الست فردا.